

مقاله اصلی

تبیین احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر اراک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

خلاصه

مقدمه: موضوع امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی به یکی از موضوعات مهم بدل شده است به گونه‌ای که رابطه مستقیمی با مشارکت و رفاه آنان در جامعه دارد. هدف پژوهش بررسی میزان امنیت اجتماعی زنان و مطالعه عوامل اثرگذار بر آن است.

روش کار: روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بر مبنای پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان جوان ۱۵-۷۵ ساله ساکن در شهر اراک است. حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران و جبران خطای ناشی از پرسش‌نامه‌های ناقص ۴۰۰ نفر است. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بر مبنای مناطق و بلوک‌های آماری استفاده شده است.

نتایج: نتایج تحقیق نشان داد که میزان امنیت اجتماعی زنان اندکی از متوسط کمتر است و در میان مؤلفه‌های امنیت به ترتیب زنان بیش از همه احساس عدم احساس امنیت روانی، شغلی، مالی و جانی می‌کنند. همچنین عواملی همچون سرمایه اجتماعی، نگرش به پلیس و ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی، بی‌نظمی‌ها، سبک زندگی پرخطر، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سن و وضعیت تأهل به واسطه سازوکارهای همچون حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی با امنیت زنان رابطه دارند.

نتیجه گیری: می‌توان توصیه نمود که مداخلات سیاست‌گذاران برای تقویت امنیت اجتماعی زنان باید معطوف به بهبود محیط‌های اجتماعی و کالبدی آنان باشد تا ویژگی‌های رفتاری. در کل مجموعه از عوامل که دارای ویژگی ساختاری و نه رفتاری هستند بر امنیت اجتماعی زنان اثرگذار هستند.

کلمات کلیدی: امنیت اجتماعی، زنان، عوامل و سازوکارهای علی، فضاهای عمومی شهری

اعظم روانشاد^۱

فرانک سیدی*^۲

مریم یارمحمد توسکی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، واحد اراک،

دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

^۲ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد

اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد

اسلامی، اراک، ایران

Email: f-saidy@iua-aak.ac.ir

مقدمه

امنیت و به تبع آن امنیت اجتماعی یکی از نیازهای اصلی انسان‌ها از جمله زنان است. با افزایش نرخ شهرنشینی و شهری شدن جوامع انسانی و به تبع آن افزایش مهاجرت، تضعیف سرمایه اجتماعی و پیچیده شدن ماهیت روابط اجتماعی، زوال برخی از محله‌های شهری، پیشی گرفتن رشد کمی در شهرها، افزایش نرخ جرائم و کج رفتاری‌ها و حضور هرچه بیشتر زنان در فضاهای شهری مسئله امنیت اجتماعی زنان دوچندان اهمیت پیدا کرده است. فقدان امنیت اجتماعی ناظر بر خطراتی است که هویت جامعه یا زیر بخش‌های آن را تهدید می‌کند و اگر جامعه یا برخی از گروه‌های آن احساس امنیت نکنند هویتشان با خطر مواجه می‌شود. بر این اساس جوامع زمانی دارای امنیت اجتماعی هستند که هویت آنان یعنی بقاءشان مورد تهدید واقع نشود (۱).

فضاهای شهری محل‌های هستند که به همه شهروندان تعلق دارند و تنها به ابعاد محیطی یا کالبدی خلاصه نمی‌شوند بلکه دارای ابعاد اجتماعی نیز هستند و با حضور همه شهروندان معنا پیدا می‌کند. در بحث توسعه پایدار شهری یکی از مؤلفه‌های اصلی فضاهای شهری برخورداری از امنیت اجتماعی است (۲). این فضاها باید از امنیت برخوردار باشند تا مشارکت شهروندان را امکان‌پذیر کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند زنان به مثابه نیمی از جمعیت به دلایل مختلف از جمله ویژگی‌های بیولوژیکی، نگاه جامعه به آنان، نقش‌ها و مسئولیت‌های که در جامعه دارند و دسترسی اندک‌تر به فرصت‌ها کمتر از مردان در فضاهای شهری احساس امنیت می‌کنند (۳، ۴). نتایج طرح نیازسنجی زنان کشور که توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده، نشان می‌دهد که یکی از عمده‌ترین مسائل و مشکلات زنان کمبود امنیت است که این مسئله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته است و چه بسا موجب محدود شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شده و حضور آن‌ها را در شهر به عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجه سازد (۵). مطالعات نشان داده است امنیت اجتماعی زنان با فضاهای شهری رابطه دارد (۶). امنیت اجتماعی رابطه تنگاتنگی با مشارکت زنان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. برای مثال اگر آنان

در فضای عمومی شهر اگر احساس امنیت نکنند احتمالاً از ادامه تحصیل، کار و کسب درآمد، داشتن اوقات فراغت مؤثر و غیره منصرف خواهند شد. از این رو فقدان امنیت اجتماعی می‌تواند نابرابری‌های جنسیتی را تقویت کند و سلامت و کیفیت زندگی زنان را در ابعاد مختلف به خطر اندازد (۷) برنامه‌ریزان و طراحان شهری معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند باید برای همه گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند و در ساخت آن‌ها تفاوت‌های سنی و جنسیتی مورد توجه قرار گیرد. در حالی که جامعه ما روز به روز بیش از گذشته شهری می‌شود، باید با تأکید بر سن، جنسیت و طبقه به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز توجه کرد (۵، ۸).

پژوهش‌های زیادی به بررسی امنیت اجتماعی زنان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند، مرور این پژوهش‌ها می‌تواند نشان‌دهنده بخشی از واقعیت امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی باشد. در همین زمینه ساروخانی و نویدنیا (۹) نشان داده‌اند امنیت جانی و شغلی در مناطق شمالی شهر تهران بیشتر از جنوب است و امنیت عاطفی و مالی در مناطق جنوب بیشتر است. روی هم رفته شواهد شاخص امنیت اجتماعی نشان می‌دهد میانگین آن در شمال شهر از جنوب که منطقه‌ای برخوردارتر است بیشتر است. مشکینی و دیگران (۶) در مطالعه ادراک امنیت محله‌ای و استفاده از فضاهای عمومی نشان داده‌اند به استثنای زنان ۶۰ ساله و بیشتر مردان در مقایسه با زنان از فضاهای عمومی بیشتر استفاده می‌کنند و ادراک احساس امنیت تأثیر مستقیمی بر استفاده از فضاهای عمومی دارد. عوامل اثرگذار بر امنیت زنان عبارت بودند از سن، انسجام اجتماعی، بی‌نظمی کالبدی، بی‌نظمی اجتماعی، خانه‌دار بودن زنان و حضور پلیس. شربتیان و دیگران (۴) نشان داده‌اند امنیت اجتماعی زنان در شهر متوسط و رو به پایین است، در نقاط مختلف شهر تفاوت معناداری مشاهده نشد و متأثر از عواملی همچون رسانه‌های اجتماعی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری، نگرش به پوشش و خود و امنیت اقتصادی است. میرمحمدتبار و دیگران (۱۰) در فراتحلیلی نشان داده‌اند عواملی همچون رسانه‌های جمعی، دین‌داری و حجاب مناسب، اعتماد اجتماعی، عملکرد

و محمدی بیرنگ (۱۵) به بررسی احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر تبریز پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان احساس امنیت زنان در این فضاها نسبتاً مطلوب است و ترس از قربانی جرم شدن از عوامل کاهنده آن است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند میزان احساس امنیت در پارک‌های محله‌ای و ناحیه‌ای کمتر از پارک‌های حاشیه خیابان، شهر و فرا شهری است و احساس امنیت با کیفیت کالبدی این پارک‌ها رابطه دارد. پوراحمد و دیگران (۱۶) نشان داده‌اند احساس امنیت اجتماعی زنان تحت تأثیر عوامل اجتماعی یعنی نبود جرم و جنایت، نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی، رفتارهای کم‌خطر شهروندان، ویژگی‌های کالبدی مناسب، مبلمان مناسب شهری، محیط پاکیزه و دسترسی مناسب است. سجادی (۱۷) با مرور پژوهش‌ها حوزه امنیت اجتماعی نشان داده است امنیت زنان متأثر از عوامل فضاهای شهری همچون کیفیت روشنایی، مبلمان شهری، فضاهای بی‌دفاع، محلات ناامن، فشردگی و فرسودگی بافت، عملکرد پلیس و نگرش ذهنی نسبت به پلیس، عوامل اجتماعی همچون جرم و انحرافات، بحران‌های معنا، هویت و بی‌اعتمادی، عوامل سطح فردی همچون ترس و نگرانی زنان در محیط اجتماعی و ترس از حمله و خشونت‌های خانگی است. سراج زاده و دیگران (۱۸) با فراتحلیلی از پژوهش‌های موجود نشان داده‌اند عواملی همچون اعتیاد، تجربه غیرمستقیم جرم، شبکه‌های اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رعایت هنجارهای اجتماعی بیشترین اثر را بر امنیت اجتماعی دارند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد مطالعه امنیت جانی، مالی و گروهی در این مطالعات بیشترین فراوانی را در میان ابعاد امنیت دارند.

موضوع امنیت زنان در دستور کار پژوهش‌های خارج از کشور نیز بوده است. پین (۱۹) در پژوهشی در انگلستان نشان داده است ترس از خشونت‌های جنسی و جسمی در میان زنان زیاد است و ترس از خشونت از سوی مردان معمولاً به واسطه فضاهای عمومی تجلی پیدا می‌کند و ویسواناث و مهرتورا (۲۰) نشان داده‌اند میزان امنیت اجتماعی زنان در شهر دهلی کم است به گونه‌ای که

پلیس و حمایت اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان اثرگذار است. غلام نیارمی با مطالعه ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی در میان زنان سرپرست خانوار نشان داده است آنان در فضای خصوصی خانه و خانواده از احساس امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی بیشتری برخوردار هستند اما در فضای عمومی در ابعاد فوق‌کمتر احساس امنیت می‌کنند. زنان دلایل عدم احساس امنیت جانی در فضاهای عمومی را آزارهای جسمی و کلامی مردان و نگرانی از سوءاستفاده جسمی، عدم امنیت مالی را سرقت و کلاه‌بردار و عدم امنیت عاطفی و ارتباطی را عدم اعتماد به غریبه‌ها بیان کرده‌اند (۱۱). یافته‌های مطالعه‌ای دیگر نشان می‌دهد آزارهای بصری و کلامی در پارک‌های نیاوران تهران احساس امنیت زنان را به خطر می‌اندازد و به ترتیب سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، حس تعلق و گروه‌گرایی به همراه عوامل زمینه‌ای همچون سن، تحصیلات و وضعیت مالی بیشترین اثرات را بر آن دارند (۳). شریعتی مزینانی و فروغ زاد (۱۲) با مطالعه امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری شهر مشهد نشان داده‌اند در میان ابعاد امنیت زنان بیش از همه احساس عدم امنیت اخلاقی همچون تماس بدنی و ربوده شدن می‌کنند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد زیرگذرها و مسافربران شخصی و سپس پارک‌ها و محدوده‌های اطراف محل زندگی ناامن‌ترین فضاهای شهری برای زنان و اتوبوس‌ها، تاکسی‌ها و پل‌های عابر پیاده امن‌ترین فضاهای شهری هستند. رحیمی (۱۳) نشان داده‌اند میزان احساس امنیت زنان در نقاط مختلف پارک متفاوت است و تحت تأثیر معیارهای کالبدی، فعالیتی و آسایش بصری و محیطی (نوع، ارتفاع و نحوه قرارگیری پوشش گیاهی، شیب زیاد، محصوریت و نفوذناپذیری، فقدان فعالیت‌های متنوع، فقدان مقیاس و قابلیت نمایی فضا و نورپردازی) است. یافته‌های همچنین نشان می‌دهد استقرار پلیس تأثیر چندانی در افزایش امنیت نداشته است. سقایی و دیگران (۱۴) با مطالعه احساس امنیت در میان زنان نشان داده‌اند به ترتیب عوامل کالبدی و رفتاری، اجتماعی، اقتصادی، محیطی و درنهایت دسترسی بیشترین تأثیر را بر امنیت اجتماعی دارند. آذر

شهری یکی از ویژگی‌های محله‌های بی‌سازمان فروپاشی روابط اجتماعی آنان است. طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی سطح سرمایه اجتماعی در محله می‌تواند به جرم پیوند بخورد. محله‌هایی که بی‌سازمان هستند، سطوح بالایی از تحرک مسکونی، اختلال در خانواده، ناهمگنی قومی و فقر را دارند (۲۴). این عامل‌ها به نهادهای اجتماعی و افراد در اجتماعاتی که به لحاظ اجتماعی بی‌سازمان هستند اجازه نمی‌دهد که رفتار افراد را در محله کنترل کنند؛ زیرا ساکنان از نهادها و سازمان‌های کنترل اجتماعی کنار می‌کشند. ساکنانی که در محلات بی‌سازمان زندگی می‌کنند، علیه رفتار مشکوک اقدامی نمی‌کنند؛ زیرا جزو نگرانی‌ها و دغدغه‌های آنان نیست، از این رو کمتر امکان دارد زنان در این محله‌ها که سرمایه اجتماعی آن‌ها تضعیف شده است، کنترل و حمایت اجتماعی را دریافت کنند. ولد و دیگران توضیح می‌دهند «به دلیل سرمایه اجتماعی اندک، محلات قادر نیستند که کنترل مؤثر را بر فضاهای عمومی و مناطق مشترک همچون پارک‌ها و خیابان‌ها اعمال کنند. این مناطق نسبت به اعمال جنایی رها شده هستند» (۲۵).

اعتماد افراد جامعه به پلیس همکاری مردم را جلب خواهد کرد. تلاش برای ایجاد امنیت یکی از راه‌های جلب اعتماد شهروندان است و موجب نزدیکی مردم به پلیس خواهد شد. در حالی که «پلیس کنترلی» پلیسی است که مردم از آن نگران هستند (۱۳). همکاری و تعامل پلیس با شهروندان موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می‌شود. از این طریق نوعی امنیت و فراغت خاطر در شهروندان به وجود می‌آید. تأثیر مستقیم حضور پلیس در محل زندگی در کاهش درک خطر احتمالی از جرائم و احساس ناامنی مؤثر است و از طریق توانایی جمعی و رضایت خاطر بالا از محل زندگی به میزان متعادل و متوسطی می‌رسد. این امر همکاری‌های آینده بین ساکنان و اجرای قانون در مبارزه با جرائم را نوید می‌دهد. یکی از تأثیرات مثبت سطوح بالای قابلیت جمعی و رضایت خاطر کلی، کاهش نگرانی شهروندان در قبال جرم و جنایت و احتمال قربانی شدن آن‌هاست. اگر زنان ادراک مناسبی از پلیس داشته باشند، پلیس را یاری خواهند کرد و از آن‌ها

آنان مزاحمت، تجاوز و آزار و اذیت را تجربه می‌کنند. مشکلات زیرساختی در کنار فرهنگ شهر نقش تعیین‌کننده‌ای در به خطر انداختن امنیت زنان داشته است. فرهنگ شهری باعث شده است فضاهای شهر اساساً در تسلط مردان باشد. در این شهر زنان همچون مردان حق حضور آزاد در شهر را ندارند. پل (۲۱) نیز با مطالعه امنیت اجتماعی زنان در شهر کلکته نشان داده است عدم آشنایی با فضا، دسترسی محدود و حضور در ساعات غیرمعمول از عوامل شکل‌دهنده ناامنی آنان است. این ناامنی در میان زنان فقیر بیشتر است. ترس از جرم در زنان به دلیل درک فضا به وجود می‌آید و توسط هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. کلاسکا و پین (۲۲) با بررسی دو شهر ادینبورگ و هلسینکی نشان داده‌اند ویژگی‌های فیزیکی محیط و وضعیت فیزیکی فرد از عوامل به خطر انداختن احساس امنیت آنان است. زنان در فضاهای بی‌نظم و شلوغ بیشتر احساس ناامنی می‌کنند. زنان نور ضعیف خیابان‌ها، طراحی نامناسب ساختمان‌های شهری، مکان‌یابی نامناسب فضاهای شهری را مهم‌ترین عوامل به خطر انداختن احساس امنیتشان ذکر کرده‌اند. از نظر پاسخگویان ناامن‌ترین مکان‌های شهری عبارت‌اند از نقاط جنگلی، پارک‌ها، استراحتگاه‌ها و مسیرهای فرعی، ایستگاه‌ها و مراکز خرید و تونل‌ها.

کندوکاوی درباره مفهوم امنیت اجتماعی و نظریه‌های این حوزه

بسیاری از نظریات موضوع امنیت اجتماعی را به بیش از موضوع هویت گره زده‌اند. همچون حوزه ادبیات پژوهشی در حوزه مباحث امنیت در فضاهای شهری شاهد دو دسته از نظریه‌ها هستیم که دسته‌ای بر متغیرهای نرم همچون ارزش و نگرش‌ها و روابط اجتماعی و دسته‌ای دیگر بر متغیرهای سخت همچون ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری تأکید دارند. البته هستند نظریاتی که به هر دو بعد تأکید داشته‌اند مانند نظریه پنجره‌های شکسته (۲۳).

می‌توان گفت در سطح فردی، هرچقدر گزینه‌های رابطه‌ای فرد بیشتر باشد و این روابط همراه با اعتماد باشند، در محیط‌های شهری مختلف همچون محل کار و فضاهای عمومی فرد بیشتر می‌تواند از دیگران طلب حمایت کند. در سطح محله و فضاهای

دهلی بسیاری از فضاهای عمومی شهر در تسخیر مردان است (۲۰). این نگرش‌ها همچنین با فضا و زمان رابطه دارند. به این معنی که زنان حق ندارد در برخی از زمان‌ها یا بعضی از فضاهای شهری حضور یابند؛ برای مثال در شب یا در ورزشگاه‌ها. اگر این نوع نگرش‌ها در فضای جامعه حکم‌فرما باشند، زمانی که زنان در فضاهای عمومی حضور می‌یابند، هم به لحاظ واقعی و هم ادراکی بیشتر احساس ناامنی می‌کنند؛ چراکه حمایت و کنترل اجتماعی کمتری را دریافت می‌کنند. پلیس نیز ممکن است آنان را برای حضور در این فضاها سرزنش و مجازات کند و شهروندان آنان را حمایت نکنند.

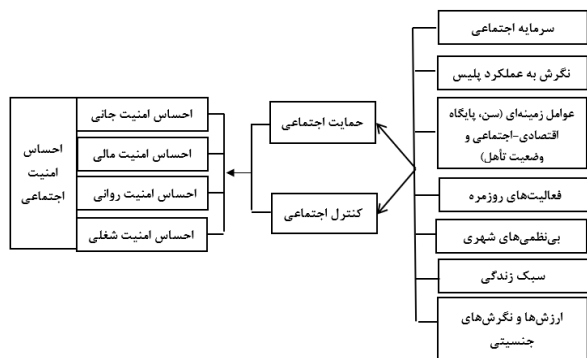
ابعاد کالبدی در ترکیب با ابعاد اجتماعی نیز مورد توجه نظریه پردازان بوده است. از نظر نیومان فضاهایی به مشکل برمی‌خورند که «هیچ حسی ناشی از داشتن هویت مشخص را به انسان القا نمی‌کنند. چنین فضاهای بی‌نام‌ونشانی حتی سازگاری و هماهنگی ساکنان محله را نیز در تعریف محدوده رفتار مناسب و پذیرفته شده غیرممکن می‌سازد. در این گونه فضاها، احساس مالکیت یا اعمال آن و همچنین تشخیص ساکنان از افراد مزاحم امری غیرممکن است» (۲۷). از نظر او عواملی همچون قلمرو فضایی مناسب، احساس مالکیت و تعلق خاطر به فضا، امکان وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان به فضای بیرونی و بهبود شرایط فیزیکی و کالبدی مناطق مسکونی به نحو مثبت در ایجاد احساس امنیت اثرگذار است (۲۸). فعالیت‌های روزمره زنان در فضاهای عمومی شهر نیز تأثیر بسزایی بر احساس امنیت اجتماعی آنان دارد. بر اساس رویکرد فعالیت‌های روزمره احتمال اینکه جرم اتفاق بیفتد به وجود یک «مجرم برانگیخته»، «قربانی آسیب‌پذیر» و «فقدان محافظ توانا» وابسته است (۲۹). در همین «نظریه الگوی جرم» به این می‌پردازد که چگونه مجرمان با فرصت‌های جرم به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزمره مواجه می‌شوند (۳۰). در نظریه الگوی جرم چهار نوع محل در فضاهای شهری وجود دارد که احتمال وقوع جرم در آن‌ها بیشتر است: محل نخست «محل تولیدکننده جرم» است؛ به محل‌هایی اشاره

کمک خواهند گرفت. از سوی دیگر اگر پلیس و سایر نهادهای اجرای قانون، امنیت شهروندان را تأمین نکنند، به آن‌ها بی‌اعتماد خواهند شد.

نوع سبک زندگی زنان می‌تواند در امنیت آنان نیز اثرگذار باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند کسانی که سبک زندگی‌شان سالم‌تر است، رفتارهای پرخطر کمتری دارند. سبک زندگی مجموعه‌ای از عملکردها، نگرش‌ها، رفتارها، بینش‌ها، سلیقه‌ها، انتخاب‌ها و فعالیت‌های یک فرد را دربر می‌گیرد. از نظر کارکرام «سبک زندگی الگوهای جمعی از رفتارهای سالم مبتنی بر انتخاب‌های مردم و مطابق با موقعیت زندگی آن‌هاست». فعالیت‌های پرخطر یا سالم می‌توانند موقعیت زندگی افراد را تضعیف یا تقویت کنند (۲۶). می‌توان سبک زندگی را شامل دو بعد سبک زندگی سالم و سبک زندگی پرخطر در نظر گرفت. آن چیزی که می‌تواند سبک زندگی زنان را در محیط‌های شهری به خطر بیندازد، سبک‌های زندگی پرخطر است. تمایل به حضور در مکان‌های شهری پرخطر و شلوغ، پوشیدن لباس خارج از عرف جامعه و عرف نسلی، تمایل به رفتارهای هیجانی و پرخطر همچون مصرف مشروبات و سیگار، رانندگی پرخطر، گذراندن بخش زیادی از زندگی خارج از منزل بدون هدف و مانند این‌ها از مؤلفه‌های این سبک هستند. در مقابل داشتن سبک زندگی سالم همچون نداشتن رفتارهای پرخطر، استفاده از وسایل حمل‌ونقل امن، حضور در مکان‌هایی که احتمال آزار کمتر است، می‌تواند منجر به تقویت احساس امنیت اجتماعی شود.

ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی در سطح خانواده و نیز جامعه می‌تواند سهم تعیین‌کننده‌ای در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی داشته باشد. نگرش‌های تبعیض‌آمیز از جمله محدود کردن زنان به حوزه خصوصی و اینکه زنان به نقش‌هایی همچون خانه‌داری، همسر داری و بچه‌داری محدود شوند، از نگرش‌هایی هستند که می‌تواند امنیت زنان را فضاهای شهری به خطر بیندازد. این نگرش‌ها نوعی از خشونت فرهنگی علیه زنان است. همان‌گونه که گفته شد در برخی از کلان‌شهرها همچون

گرفته شده است. بعد اول امنیت جانی است. مطالعات نشان داده است زنان طیف مختلفی از خشونت‌ها از تهدید، تعرض و تجاوز تا قتل را تجربه می‌کنند. بسیاری از اشکال خاص این خشونت‌ها صبعه جنسیتی دارد. بعد دوم امنیت، امنیت مالی است. تعدادی از جرائم این حوزه که امنیت زنان را به خطر می‌اندازد، ماهیت جنسیتی دارد؛ همچون سرقت طلا و جواهرات آنان. امنیت روانی بیشتر ناظر به ادراک از امنیت است؛ اینکه من به‌عنوان یک زن تا چه میزان در محیط‌های شهری احساس آرامش و امنیت می‌کنم. کلیشه‌های جنسیتی همچون «زنان قادر به رانندگی نیستند»، از نمونه‌هایی است که امنیت روانی آنان را در فضاهای عمومی به خطر می‌اندازد. بعد آخر امنیت زنان در فضاهای عمومی ناظر بر امنیت شغلی است. بسیاری از زنان همانند مردان وارد بازار کار شده‌اند؛ اما پرسشی که باید به آن پاسخ داد این است که آیا آنان به یک اندازه در محل کار که بخش درخور توجهی از آن در محیط‌های شهری است، احساس امنیت می‌کنند. آیا یک راننده یا فروشنده زن به اندازه یک مرد احساس امنیت می‌کند. تحقیقات در این زمینه نیز نشان داده است زنان در محیط‌های شغلی کمتر احساس امنیت می‌کنند. به آنان انواع پیشنهادها غیر معقول داده می‌شود. گاهی مورد تعرض قرار می‌گیرند و حرف‌های زشت و آزاردهنده می‌شنوند. در برخی از مواقع در محیط کار از سوی کارفرما به آنان پیشنهادهای غیرمتعارف داده می‌شود؛ در صورتی که به رابطه تن در دهند، ارتقا می‌گیرند و اگر تن ندهند، اخراج یا تهدید به آن می‌شوند (۳۲).



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

می‌کند که تعداد زیادی از مردم را برای اهداف مشروع جذب می‌کنند. در این محل‌ها تعداد زیادی از قربانیان بالقوه برای مجرمان و همچنین زمینه تنش فراهم می‌شود. محل دوم «محل جذب‌کننده جرم» است؛ محلی است که مجرمان بالقوه را برای ارتکاب جرم به طرف خود جذب می‌کند. سوم، «محل توانگر جرم» است؛ محلی است که تنظیم اندکی برای رفتار وجود دارد. محل آخر به‌مثابه «لبه» شناخته می‌شود. لبه مرزی بین محله‌ها و نواحی است که افراد با مکان‌های جانی، گره‌ها یا مسیرها مواجه می‌شوند (۳۱). همچنین می‌توان استدلال کرد بخشی از فعالیت‌های روزمره زنان تابعی از ویژگی‌های زمینه‌ای آنان از جمله سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان است. فعالیت‌های زنان جوان‌تر و محروم‌تر به نحوی است که اکثر آنان را در معرض ناامنی قرار می‌دهد؛ برای مثال زنان جوان‌تر بیشتر تمایل دارند در فضاهای عمومی شهر حضور یابند و احتمال زیادتری وجود دارد زنان محروم‌تر به دلیل حضور در برخی از مشاغل، رفت‌وآمدهای طولانی‌تر به محل کار و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی در معرض قربانی شدن قرار بگیرند.

به همین ترتیب نظریه پنجره‌های شکسته بر اثر «بی‌نظمی‌های» شهری در به خطر افتادن امنیت و ترس از جرم تأکید می‌کند. بی‌نظمی نشانه‌ای است از اینکه هیچ‌کس مراقب محله نیست و می‌تواند منجر به ترس از جرم، عقب‌نشینی از فضاهای عمومی، درهم‌شکسته شدن کنترل‌های اجتماعی و جرائم جدی‌تر شود. اگر به بی‌نظمی رسیدگی نشود می‌تواند منجر به ترس از جرم شود. افزایش ترس باعث می‌شود شهروندان از فضاهای عمومی استفاده نکنند و از اتخاذ اقدامات محافظتی مختلف صرف‌نظر کنند؛ بنابراین کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد که ساکنان اجتماع، صاحبان کسب‌وکار و سایر محافظان محله اعمال می‌کنند. فروپاشی کنترل‌های اجتماعی در ترکیب با بی‌نظمی به‌نوبه خود زمینه مناسبی را برای جرائم جدی فراهم می‌آورد (۲۳).

با توجه به پژوهش‌های نظری و بررسی آرای اعضای پانل چهار بعد برای امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری در نظر

مدل توان استدلال کرد بخشی از فعالیت‌های روزمره زنان تابعی از ویژگی‌های زمینه‌ای آنان از جمله سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان است. بی‌نظمی‌های شهری که متأثر از نظریه پنجره‌های شکسته است (۲۳). بر اساس این نظریه بی‌نظمی‌های مختلف شهری به‌مثابه ویژگی‌های فضای شهرها منجر به فروپاشی کنترل‌های اجتماعی، عقب‌نشینی از فضاهای عمومی و ترس از جرم و لذا احساس ناامنی اجتماعی می‌شود. سبک زندگی زنان که یکی از مؤلفه‌های آن ویژگی رفتاری زنان است می‌تواند زنان در معرض ناامنی قرار دهد. زنانی که بر اساس عرف جامعه در محیط‌های شهری رفتار نمی‌کنند و تمایل دارند در برخی از فضاها شلوغ و تحریک‌کننده آزار حضور یابند بیشتر امنیت آنان به خطر می‌افتد. این سبک را می‌توان سبک زندگی پرخطر نامید. بر اساس نظریه‌های سبک زندگی این سبک‌ها حائز بعد ساختاری هستند (۲۶). در نهایت ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی در خانواده و جامعه برای امنیت اجتماعی زنان مهم هستند. اگر خانواده زنان و جامعه این حق را برای زنان قائل باشد که می‌توانند در فضاهای شهری حضور داشته باشند، کار کنند و بخشی از اوقات فراغشان را در این محیط‌ها سپری کنند آنان بیشتر احساس امنیت خواهند کرد. اگر این نوع نگرش‌ها در فضای جامعه حکم‌فرما باشند، زمانی که زنان در فضاهای عمومی حضور می‌یابند، هم به لحاظ واقعی و هم ادراکی بیشتر احساس ناامنی اجتماعی می‌کنند؛ چراکه حمایت و کنترل اجتماعی کمتری را دریافت می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت شهری ناامنی و احساس آن را به افراد گروه‌های خاصی به‌ویژه زنان القا می‌کنند. شناخت اینکه چه عواملی سبب تضعیف احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری می‌شود می‌تواند به فهم ما در این زمینه بی‌افزاید. از این‌رو این مقاله به دنبال مطالعه احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر اراک و بررسی عوامل مؤثر بر آن است.

روش کار

مدل بالا، مدلی تلفیقی است که ابعاد مختلف واقعیت اجتماعی تبیین‌کننده امنیت زنان در آن مشاهده می‌شود. همچنین در مدل هم عوامل و هم سازوکارهای علی دیده شده‌اند. سازوکارهای علی نشان می‌دهند که عوامل چگونه بر معلول یا نتیجه تأثیر می‌گذارند. سرمایه اجتماعی یکی از عوامل اصلی در مدل است که مورد تأکید بسیاری از مطالعات و نظریه‌ها بود. اگر در جامعه روابط اجتماعی در میان شهروندان وجود داشته باشد به‌مثابه یک عامل حمایتی و محافظتی عمل می‌کند. در این هنگام شهروندان هم می‌توانند علیه اعمالی که امنیت را به خطر می‌اندازند مداخله کنند و زنان در صورت احساس ناامنی می‌توانند از سایر شهروندان طلب حمایت کنند. همان‌گونه که نظریه‌های مختلف بیان می‌داشتند جامعه دارای سرمایه اجتماعی قادر به انجام کارهای مختلف از جمله تحقق امنیت اجتماعی است به‌گونه‌ای که در صورت فقدان آن قادر به تحقق آن نیستند. سرمایه اجتماعی ناظر بر پلیس نیز است، به‌گونه‌ای که اگر زنان نگرش مثبتی (اعتماد) به پلیس داشته باشند در مواقع لازم از آن‌ها طلب کمک می‌کنند و می‌دانند که پلیس با افرادی که امنیت آنان را خطر انداخته است مقابله می‌کند. عکس آن را در نظر بگیریم در جامعه‌ای که پلیس فاقد کارآمدی باشد و زنان فکر کنند به‌منظور تحقق امنیت آنان مداخله نمی‌کند نه تنها از او طلب کمک نمی‌کنند (نوعی حمایت و کنترل اجتماعی) بلکه باعث می‌شود بر هم زندگان نظم و امنیت اجتماعی جسورتر شوند و بیشتر زنان را مورد اذیت و آزار قرار دهند.

نوع فعالیت‌ها روزمره زنان نیز می‌تواند امنیت آنان را به خطر بی‌اندازد. زنانی که به دلیل کار مجبور هستند به خارج از شهر بروند، در فضاهای شلوغ شهری حضور داشته باشند، از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند، صبح زود از منزل بیرون بزنند و در تاریکی به منزل برگردند در مقایسه با زنانی که بیشتر در خانه می‌مانند و کمتر مجبور به حضور در فضاهای شلوغ و ناامن بیشتر امنیت آنان به خطر می‌افتد چراکه تبدیل به «هدف‌های در دسترس»، برای «معجرمان برانگیخته» در «غیاب محافظان توانا» می‌شوند (۲۹).

در نهایت به لحاظ منطقه محل سکونت ۲۱,۰ درصد پاسخگویان از منطقه یک شهرداری شهر اراک، ۲۰,۴ درصد از منطقه دو، ۲۰,۲ درصد از منطقه سه، ۱۸,۸ درصد از منطقه چهار، ۱۷,۷ درصد از منطقه پنج هستند و ۲,۲ درصد منطقه محل زندگی شان را مشخص نکرده‌اند.

جدول زیر نیز نشان دهند یافته‌های توصیفی شاخص‌های پژوهش است:

جدول شماره ۱. یافته‌های توصیفی شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
۱	سرمایه اجتماعی	۳,۰۸	۱,۲۳
	روابط اجتماعی	۳,۴۵	۱,۱۴
	اعتماد اجتماعی	۲,۷۷	۱,۲۹
۲	مشارکت اجتماعی	۳,۰۲	۱,۱۹
	نگرش به پلیس	۲,۷۱	۱,۲۹
	ارزش‌ها و نگرش‌های	۳,۲۶	۱,۲۵
۳	جنسیتی	۳,۳۱	۱,۱۹
	ارزش‌ها و نگرش‌های	۳,۲۲	۱,۲۳
	جنسیتی خانواده		
۴	ارزش‌ها و نگرش‌های		
	جنسیتی جامعه		
	بی‌نظمی	۲,۵۸	۱,۱۴
۵	فیزیکی	۲,۶۷	۱,۱۶
	اجتماعی	۲,۴۹	۱,۱۳
	فعالیت‌های روزمره	۲,۶۲	۱,۱۸
۶	ساخت‌نیافته		
	حمایت اجتماعی	۳,۰۷	۱,۱۷
	عاطفی	۳,۲۳	۱,۱۱
۷	اطلاعاتی	۳,۱۸	۱,۱۳
	ابزاری	۲,۸	۱,۲۷
	کنترل اجتماعی	۲,۷۵	۱,۱۵
۸	رسمی	۲,۷۵	۱,۲۶
	غیررسمی	۲,۷۶	۱,۰۵
	سبک زندگی پرخطر	۲,۸۲	۱,۱۸
۹	عدم امنیت اجتماعی	۲,۸۵	۱,۰۶
	جانی	۲,۱۸	۱,۱۳
	مالی	۲,۸۳	۰,۹۲

روش پژوهش این مطالعه پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بر مبنای پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان جوان ۱۵-۷۵ ساله ساکن در شهر اراک است. حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران و جبران خطای ناشی از پرسش‌نامه‌های ناقص ۴۰۰ نفر است.

از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بر مبنای مناطق و بلوک‌های آماری استفاده است. به منظور تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و تعیین اعتبار صوری از روش دلفی استفاده شده است به گونه‌ای که پس از انجام سه راند دلفی در میان متخصصان و کارشناسان حوزه امنیت اجتماعی شاخص سازی مدل و متغیرهای پژوهش انجام شد. از این رو شاخص سازی مدنظر از اعتبار برخوردار است.

همچنین به منظور تعیین پایایی شاخص‌های پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر این اساس ضریب آلفای شاخص‌های سرمایه اجتماعی، نگرش به عملکرد پلیس، فعالیت‌های روزمره، بی‌نظمی، سبک زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی، حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی به ترتیب برابر است یا ۰,۹۳، ۰,۷۵، ۰,۷۳، ۰,۸۷، ۰,۶۹، ۰,۷۵، ۰,۹۳، ۰,۸۶ و ۰,۸۴ صدم درصد.

نتایج

یافته‌های متغیرهای زمینه‌ای نشان داد ۰,۳۴ درصد از پاسخگویان مجرد، ۵۴,۲ درصد متأهل و ۱۰,۳ درصد مجرد، میانگین سن پاسخگویان برابر با ۴۳,۴ سال، میزان تحصیلات ۸,۶ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۱۳,۸ درصد ابتدایی، ۱۶,۶ درصد راهنمایی، ۲۰,۸ درصد دبیرستان و دیپلم، ۲۳,۷ درصد فوق‌دیپلم و کارشناسی و ۱۲,۶ درصد کارشناسی ارشد و بیشتر و ۳,۹ درصد میزان تحصیلاتشان را ذکر نکرده‌اند.

به لحاظ سمت شغلی ۳۹,۳ درصد از پاسخگویان شغلشان را خانه‌دار، ۱۹,۲ درصد بیکار، ۱۳,۳ درصد کارمند، ۱۷,۳ درصد آزاد و ۸,۶ درصد کارگر ذکر کرده‌اند و ۳,۳ درصد شغلشان را ذکر نکرده‌اند.

اجتماعی زنان در فضاهای شهری اندکی کمتر از متوسط است که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامطلوب آن در شهر اراک است، چراکه زنان به میزان متوسط احساس ناامنی می‌کنند. میزان عدم امنیت جانی زنان برابر با کم و سایر ابعاد آن حول و حوش متوسط است. جدول زیر نیز یافته‌های آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد:

روانی	۳,۱۵	۱,۲۳
شغلی	۲,۸۵	۱۰,۶

همان‌گونه که شواهد جدول فوق نشان می‌دهد میزان نمرات توصیفی شاخص‌های پژوهش بین اندکی کمتر از متوسط تا اندکی بیشتر از متوسط در نوسان هستند. میانگین عدم امنیت

جدول ۲. آزمون فرضیه‌های پژوهش

شماره فرضیه	R	R ²	sig	Constant	B
۱	۰,۳۴	۰,۱۶	۰,۰۰۰	۰,۳۱	۰,۳۴
۲	۰,۱۱	۰,۰۸	۰,۰۰۲	۰,۲۸	۰,۱۰
۳	۰,۳۸	۰,۱۵	۰,۰۰۰	۰,۲۴	۰,۳۸
۴	۰,۱۴	۰,۱۰	۰,۰۰۰	۰,۲۵	۰,۱۱
۵	۰,۲۳	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۳
۶	۰,۳۵	۰,۱۶	۰,۰۰۰	۰,۳۰۱	۰,۳۳
۷	-۰,۱۶	۰,۱۱	۰,۰۰۰	۰,۲۳	۰,۱۲
۸	-۰,۴۱	۰,۲۳	۰,۰۰۰	۰,۳۵	۰,۴۲
۹	-۰,۱۷	۰,۱۲	۰,۰۰۰	۰,۲۳	۰,۱۳
۱۰	۰,۰۸	۰,۱۰	۰,۱۲۳	۰,۱۳	۰,۰۵
۱۱	۰,۱۵	۰,۱۰	۰,۰۰۳	۰,۲۳	۰,۱۲
۱۳	۰,۰۶	۰,۰۹	۰,۰۰	۰,۱۱	۰,۲۳
۱۴	۰,۲۸	۰,۱۲	۰,۱۱۴	۰,۲۳	۰,۲۲
۱۶	۰,۳۱	۰,۲۷	۰,۰۰۰	۰,۳۱۱	۰,۳۰
۱۷	۰,۳۳	۰,۲۰	۰,۰۰۰	۰,۲۹	۰,۳۱

وجود دارد. یافته‌های همچنین نشان می‌دهد میان نگرش زنان به عملکرد پلیس و سن و حمایت اجتماعی و همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و کنترل اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های شماره ۱۲ و ۱۵ یعنی رابطه بین وضعیت تأهل و حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد بین وضعیت تأهل و حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد به گونه‌ای که این میزان برای فرضیه شماره ۱۲ برابر با ۰,۲۱ درصد و فرضیه بعدی ۱۷ درصد است. به همین ترتیب میزان

یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری میان سرمایه اجتماعی، نگرش به پلیس و ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و حمایت اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی، فعالیت‌های روزمره زنان ساخت‌نیافته، بی‌نظمی‌ها، سبک زندگی پرخطر و سن و کنترل اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به میزان ضریب بتا این رابطه بیش از همه میان حضور در فضاهای بی‌نظم و کنترل اجتماعی با ضریب بتا ۰,۴۲ درصد وجود دارد و این رابطه میان نگرش منفی به عملکرد پلیس و حمایت اجتماعی با ضریب بتا ۰,۱۰ درصد

در احساس امنیت زنان چه به صورت عام و چه در مواقع خطر دارد، چراکه باعث می شود زنان از پلیس طلب کمک و حمایت کنند.

بی نظمی های شهری یکی دیگر از تعیین کننده های احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی به واسطه سازوکار کنترل اجتماعی است. بی نظمی ها ابعاد فیزیکی و محیطی فضاهای شهری را برای تبیین ناامنی تلفیق می کند. محیط های شهری حائز صفت بی نظمی با تأثیر بر ادراکات زنان باعث ترس از جرم می شوند و این ترس یکی از ریشه های اصلی احساس ناامنی است. این بی نظمی ها در شهر اراک تا حدودی وجود دارند و یکی از عوامل به خطر افتادن احساس امنیت زنان است. ارزش ها و نگرش های جنسیتی نیز به این لحاظ که آیا زنان حق حضور در فضاهای عمومی را دارند نیز یکی از تعیین کننده های امنیت اجتماعی زنان در شهر اراک بود، یافته ها نشان داد این ارزش ها بیشتر از زنان به منظور حضور و استفاده از این فضاهای حمایت می کنند، البته در مواردی بود که حضور زنان را در فضاهای عمومی همچون در شب و در برخی از فضاها محدود می کرد. می توان گفت زنان شهر اراک بر این باورند که جامعه و خانواده های آنان اندکی بیشتر از متوسط از حضور آنان در فضاهای عمومی حمایت می کنند و با امنیت آنان رابطه دارد. در پژوهش های این حوزه نیز فقدان این ارزش ها به مثابه یکی از عوامل تضعیف کننده امنیت زنان شناخته شده بود و باعث شده بود فضاهای شهری - در شهری دهلی - به تسخیر مردان درآید و حضور زنان را در آن محدود کند.

فعالیت های روزمره ساخت نیافته نیز به واسطه کنترل اجتماعی تبیین کننده احساس امنیت اجتماعی زنان بود. این فعالیت ها در فضاهای و زمان های خاصی زنان را به اهداف در دسترس برای مجرمان برانگیخته بدون محافظ توانا می کند. میزان این فعالیت ها در میان زنان شهر اراک اندکی کمتر از متوسط بود به این معنی که فعالیت های آنان بیشتر از نوع ساخت یافته بود و به واسطه سازوکار کنترل اجتماعی اثر محافظ کننده ای بر امنیت اجتماعی زنان داشت. البته با توجه به میانگین این شاخص بودند زنانی که فعالیت های روزمره آنان ساخت نیافته تر بود. یافته ها همچنین نشان

حمایت اجتماعی بین افراد بی همسر و متأهل از افراد مجرد و کنترل اجتماعی بین افراد مجرد و متأهل از افراد بی همسر بیشتر است.

بحث و نتیجه گیری

امنیت اجتماعی در همه حوزه های زندگی زنان از جمله در فضاهای عمومی شهر برای مشارکت آنان اثر تعیین کننده ای دارد و به نوبه خود باعث سلامت آنان در ابعاد مختلف و بهبود عملکردهای روزانه و لذا موفقیت می شود. شواهد نشان داد زنان به اندازه متوسط در فضاهای عمومی شهر اراک احساس امنیت می کنند، این میزان با بسیاری از پژوهش های این حوزه همسو است که نشان می دهد در سطح مطلوبی نیست. یافته ها همچنین نشان داد امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی تنها تحت تأثیر عامل همچون ویژگی های محیطی یا اجتماعی نیست و متأثر از همه آن ها است. می توان گفت اگر فضاهای شهری از ویژگی های مطلوبی برخوردار باشند اما نگرش های جامعه به این صورت باشد که برای حضور آنان در این فضاها محدودیت قائل باشد در صورت حضور آن ها نه تنها احساس امنیت نخواهند کرد بلکه مورد تعرض و آزار قرار می گیرند. با توجه به یافته های پژوهش سرمایه اجتماعی قادر به تبیین میزان امنیت اجتماعی زنان بود. می تواند گفت در جامعه ای که سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد و زنان دارای این سرمایه باشند فضای امنی را ایجاد می کند که به زنان احساس امنیت و آرامش می بخشد، شهروندان آن جامعه علیه نامدنی ها و مزاحمان امنیت زنان مداخله می کنند و زنان به دیگران اعتماد می کنند و از آن ها طلب یاری و کمک می کنند. حتی در این شرایط کسانی که قصد آزار و اذیت زنان را دارند به دلیل ترس از مجازات از اقدام خود پشیمان می شوند. به همین ترتیب نگرش به پلیس با امنیت اجتماعی زنان به واسطه سازوکار حمایت اجتماعی رابطه دارد. زنان فکر می کنند پلیس به اندازه متوسط به منظور تحقق امنیت آنان مداخله می کند و همین منجر به این شده است که آنان احساس کنند که می توانند از آن طلب حمایت کنند. این نگرش که پلیس حامی تقویت احساس امنیت زنان است و از آنان در برابر خطرات حمایت می کند سهم مهمی

داد پایگاه اقتصادی-اجتماعی به واسطه سازوکار حمایت اجتماعی با امنیت اجتماعی زنان رابطه دارد. این یافته با پژوهش‌های این حوزه مبنی بر رابطه میان پایگاه اقتصادی و اجتماعی و همچنین محله یا منطقه زندگی و امنیت اجتماعی همسو است. می‌توان گفت زنان طبقات پایین‌تر فعالیت‌های ساخت نیافته تری دارند و به دلیل کسب درآمد حاضرند در بسیاری از مناطق و مشاغل فعالیت کنند که بیشتر امنیت آنان را به خطر می‌اندازد. همچنین این دسته از زنان بیشتر در محله‌ها و مناطقی زندگی می‌کنند که به لحاظ اجتماعی بی‌سازمان شده‌اند و مستعد جرم و جنایت هستند.

سبک زندگی زنان یکی دیگر از تعیین‌کننده‌های احساس امنیت زنان بود. این سبک علاوه بر آنکه مؤلفه‌های پژوهش‌های این حوزه یعنی ویژگی‌ها رفتاری یا دین‌داری را در برمی‌گرفت و با آن‌ها همسو بود همچنین شامل دامنه گسترده‌تری از فعالیت‌ها بود. سبک زندگی پرخطر است که امنیت زنان را مخاطره می‌اندازد که میزان آن در میان زنان شهر اراک حول و حوش متوسط بود. براساس نظریه‌های این حوزه سبک زندگی تعیین‌کننده‌های اجتماعی و اقتصادی دارد و به واسطه آن‌ها است که شکل می‌گیرد. زنانی که سبک زندگی آنان پرخطرتر است بیشتر خود را در معرض رویدادهای ناامن کننده قرار می‌دهند و لذا امنیت آنان را به خطر می‌اندازد. درنهایت وضعیت تأهل زنان با امنیت اجتماعی زنان رابطه داشت و زنان متأهل بیشتر حمایت و کنترل اجتماعی را دریافت می‌کردند. این یافته نشان‌دهنده اثر تأهل به‌مثابه پیوند اجتماعی است که این پیوندها منجر به حمایت و کنترل اجتماعی می‌شوند.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر اراک تحت تأثیر سه تعیین‌کننده است که هر سه حائز ابعاد ساختاری هستند. نخست محیط‌های شهری به‌مثابه ساختاری مصنوع باصفت بی‌نظم و ویژگی‌های همچون زوال فیزیکی، خلوتی و شلوغی زیاد، دسترس نامناسب، زوال یافته، پاکیزگی اندک و مانند این‌ها به‌واسطه شکل دادن به

ادراکات زنان و اثر تضعیف‌کننده بر کنترل‌های اجتماعی و لذا بر احساس امنیت دارند. تعیین‌کننده دوم عوامل اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی و نگرش‌های جنسیتی است فقدان یا کمبود سرمایه اجتماعی و نگرش‌های جنسیتی محدودکننده زنان با تضعیف سازوکارهای حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی مختل‌کننده احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی است. تعیین‌کننده سوم سبک زندگی زنان و فعالیت‌های روزمره آنان است که نشان‌دهنده برخی از رفتارهای آنان در زندگی روزمره است. فعالیت‌های ساخت نیافته و سبک زندگی پرخطر به‌واسطه تضعیف‌کننده کنترل اجتماعی امنیت زنان را خطر انداخته است. کنترل اجتماعی به ظرفیت واحدهای اجتماعی به‌مثابه ظرفیت تنظیمی اشاره دارد و به دلیل تضعیف این کنترل در شهر اراک میزان امنیت زنان نیز کاهش یافته است.

این تعیین‌کننده‌ها نشان می‌دهد که ارتقاء امنیت زنان باید مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی از نوع تغییر محیط‌های اجتماعی و کالبدی پیرامون زنان باشد تا مبتنی بر رفتارهای زنان. برای تقویت امنیت اجتماعی زنان می‌توان این موارد را پیشنهاد داد: (۱) تقویت سرمایه اجتماعی. محققان حوزه علوم اجتماعی منابع عمده سرمایه اجتماعی را مشارکت مدنی همچون مشارکت در نهادهای و سازمان‌های اجتماع‌محور (مسجد، انجمن‌های علمی، ادبی، فرهنگی، هنری و غیره)، کارآمدی، هنجارمندی و انصاف دولت و نهادی دولتی، عدالت اجتماعی، درونی کردن هنجارها به‌واسطه تحصیلات و محتوی آموزشی مناسب، دین‌داری، ایدئولوژی‌های فراگیر و وحدت‌بخش می‌دانند (۳۳). لذا لازم است مسئولان استانی و شهری در سطح خود به تقویت موارد فوق اهتمام ورزند. (۲) شناسایی هنجارها و نگرش‌های سوگیرانه جنسیتی علیه زنان و جایگزین کردن آن‌ها با هنجارها و نگرش‌های جنسیتی منصفانه به‌واسطه آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی. (۳) به لحاظ ویژگی‌های محیط می‌توان این موارد را پیشنهاد نمود: تقویت روشنایی در شب، بازسازی بافت‌های فرسوده، توزیع مناسب فعالیت‌ها فرامحله‌ای و منطقه‌ای در میان مناطق مختلف

رسمی و تشویق زنان به استفاده از این سامانه به جای تاکسی‌های شخصی. (۱۰) توجه برنامه‌ریزان شهری به نیازهای زنان در طراحی‌ها و توزیع امکانات در شهر، (۱۱) توجه به حقوق و کرامت زنان در طرح‌های امنیت اجتماعی.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک می‌باشد. نویسنده از اساتید راهنما و مشاور و تمامی کسانی که در این راستا با محقق همکاری نمودند کمال تشکر را دارد.

تعارض منافع

این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

شهر، تقویت تعاملات شهری با ایجاد مبلمان شهری، برگزاری برنامه‌های اجتماعی در سطح شهر به‌ویژه در محله دارای مسائل اجتماعی، حفظ حیات شبانه به‌واسطه ایجاد کاربری‌های شبانه، استفاده از نظارت‌های رسمی همچون حضور پلیس و نصب دوربین مداربسته در مکان‌های پرخطر، استفاده از رویکردهای پیشگیری از جرم به‌واسطه طراحی محیطی و خلق فضاهای قابل دفاع در طراحی‌های شهری. (۴). فراهم کردن خدمات کاهش آسیب برای افراد آسیب‌دیده اجتماعی همچون گرمخانه و سرپناه برای بی‌خانمان‌ها (۵) ایجاد اندیشکده مسائل اجتماعی همچون تقویت امنیت زنان در شهر اراک. (۶) حمایت از زنان به‌منظور گزارش تجربه‌ناامنی در محیط‌های مختلف از جمله محیط کاری. (۷) شناسایی دقیق فضاهای پرخطر شهری و تقویت امنیت آن‌ها و اطلاع‌رسانه به جامعه و زنان درباره این فضاها. (۸) کاهش میزان غلبه جنسیتی (غلبه مردان) در برخی از فضاهای عمومی با تقویت حضور زنان در این فضاها. (۹) بهبود سامانه حمل‌ونقل عمومی

References

1. Wæver O, Carlton D. Identity, migration and the new security agenda in Europe: Pinter Publishers; 1993.
2. Rafiei M, Ghaffari H, Paknia M. Review of the Effect of Indicators of Sustainable Urban Development on Social Security of Citizens. Environmental Education and Sustainable Development. 2021;9(3):99-112.
3. Majidi Khameneh B, Aghaei P, Zarghami S, Raesi H. Analyzing the Influential Components on Women's Sense of Social Security in Public Green Spaces (A Case Study of Niavaran Park, District 1 of Tehran Municipality). 2020;13(50):1-20.
4. sharbatian MH, Danesh P, Ahmadi A. The Sociological Study of Factors Affecting Women's Social Security in Mashhad as a Metropolis. Quarterly Journal of Women and Society. 2015;6(21):143-66.
5. Nowruzi F, Fooladi S. Investigating the feeling of social security of women aged 15-29 in Tehran and social factors affecting i. Strategy. 2014;18(53):59-129.
6. Meshkini A, Rahimi H, Salehi E. The Perception of Neighborhood Safety and the Use of Public Spaces Gender and Age-Based Contrast in Inner City of Tehran. Women's Studies Sociological and Psychological. 2013;11(1):125-50.
7. Rastegar K, Haqiqat F. Investigating the relationship between social security and supervision (natural and abnormal) and social health among women 18 years and older living in Shiraz. Women and society. 2016;6(3):104-79.
8. Tabrizi LR, Madanipour A. Crime and the city: Domestic burglary and the built environment in Tehran. Habitat International. 2006;30(4):932-44.
9. Sarukhani B, Navidnia M. Social security of family and residence in Tehran. Social Welfare. 2004;6(22):107-87.
10. Mir Mohammad tabar A. Study of factors affecting women's sense of social security (Meta-analysis of existing research). Women's Studies Sociological and Psychological. 2017;14(4):123-56.
11. Ghulam Niarmi A. Sociological assessment of the four dimensions of social security among female-headed households (Case study: female-headed households in Tehran). Women's Research Journal. 2016;8(3):86-69.
12. Shariati Mazinani S, Foroghzadeh S. urban public spaces and women security: The case study of Mashhad. Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan. 2017;6(4):71-90.
13. Rahimi L. The security of Women in the Urban Public Spaces and the effective physical factors (Case study: The Elgoli Park of Tabriz). Women's Studies Sociological and Psychological. 2018;15(4):39-77.
14. Saghaei M, Fattah F, Mitra P. An analysis of urban spaces and women's social securit. Spatio-temporal research. 2016;5(1):60-42.
15. Mohammadi Birang M, Azae A. Analyzing Women's Sense of Security in Public Spaces with Emphasis on Urban Parks, Case Study. Journal of Urban Ecology Researches. 2019;10(20):27-40.

- in Russia and Eastern Europe: a lifestyle explanation. *Journal of Health and Social Behavior*. 1997;117-30.
27. Newman O. Creating defensible space. US department of housing and urban development, office of policy development and research. Institute for Community Design Analysis, Center for Urban Policy Research, Rutgers University, Washington, DC. 1996.
 28. Donnelly PG. Newman, Oscar: defensible space theory. 2010.
 29. Cohen LE, Felson M. Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American sociological review*. 1979;588-608.
 30. Brantingham P, Brantingham P, Wortley R, Mazerolle L. *Environmental criminology and crime analysis*. Devon: Willan Publishing. 2008.
 31. Ejtehadi M, Qaderi S, Khezri F. *Urban Sociological Studies*. 2019;9(32):1-32.
 32. Brown JM, Walklate SL. *Handbook on sexual violence*: Routledge; 2011.
 33. Zetomka P. *Trust sociological theories*. 2, editor. Tehran: Shirazeh; 2011.
 16. Evaluation women's sense of security in urban areas (Case Study: Region 1 of Ahvaz City). *Motaleate Shahri*. 2017;6(23):53-68.
 17. Sajadi H. A comprehensive interpretation of Societal security in a case study of Iran. *Sociological Cultural Studies*. 2021;12(1):99-129.
 18. Serajzadeh H, Mohammadi F, Jameh Shoorany M. Systematic Review and Meta-Analysis of Studies on Societal Security in Iran. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*. 2020;9(16):183-207.
 19. Pain RH. Social geographies of women's fear of crime. *Transactions of the Institute of British geographers*. 1997:231-44.
 20. Viswanath K, Mehrotra ST. 'Shall we go out?' Women's safety in public spaces in delhi. *Economic and political weekly*. 2007:1542-8.
 21. Paul T. Space, gender, and fear of crime: Some explorations from Kolkata. *Gender, Technology and Development*. 2011;15(3):411-35.
 22. Koskela H, Pain R. Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built environment. *Geoforum*. 2000;31(2):269-80.
 23. Wilson JQ, Kelling GL. Broken windows. *Atlantic monthly*. 1982;249(3):29-38.
 24. Shaw CR, McKay HD. *Juvenile delinquency and urban areas*. 1942.
 25. Vold GB. *Theoretical criminology*. 1958.
 26. Cockerham WC. *The social determinants of the decline of life expectancy*

*Original Article***Explaining the feeling of social security of women in public spaces of Arak city**

Received: 20/05/2021 - Accepted: 17/01/2022

Azam Rawanshad¹
 Farank Seyedi^{2*}
 Maryam Yarmohammad Tuski³

¹ Ph.D. Student, Department of Social Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

² Assistant Professor, Department of Social Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. (Corresponding Author)

³ Assistant Professor, Department of Social Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Email: f-saidy@iua-aak.ac.ir

Abstract

Introduction: The issue of women's social security in public spaces has become one of the most important issues as it has a direct relationship with their participation and well-being in society. The purpose of this study is to investigate the level of social security of women and study the factors affecting it.

Methods: The research method is a survey and the data collection tool is an interview-based on a questionnaire. The statistical population of the study is all young women aged 15-75 living in Arak. The sample size is based on Cochran's formula and error compensation due to incomplete questionnaires of 400 people. A multi-stage cluster sampling method based on regions and statistical blocks has been used.

ResultsThe results showed that the level of social security of women is slightly below average and among the components of security, women feel the most lack of psychological, occupational, financial, and personal security, respectively. Factors such as social capital, attitudes toward the police and gender values and attitudes, irregularities, high-risk lifestyles, economic and social status, age, and marital status are also linked to women's security through mechanisms such as social protection and social control.

Conclusion: It can be recommended that policy interventions to strengthen women's social security should be aimed at improving their social and physical environments rather than behavioral characteristics. In general, a set of factors that have structural rather than behavioral characteristics affect women's social security.

Keywords: Social Security, Women, Causal Factors And Mechanisms, Urban Public Spaces